

گرداندگان ضدبیکاری دنیوی

دنیای امپریالیستی امروز

به از منتهی...
چنین جهت است که اکنون برای من
گرمی مویان خودیاستی در پیش گرفته
اند که مویان خود را حقا با خود و از
و با اسباب صورت... هم در روابط بین
الناسی و مویان کشورهای مختلف سرمایه
داری با آن درجه ای که روزگاری می
رسد عالی سازد.

زندگی دزدانی

ناله جاسور یک زندانی بخت
تیره روز در دزد سرخه سناوی و بزم
بان و لکه پلیس نگهبان شوخه و با
سخت ستازی می کند. افسان و خابان
از نرس و با دقت تاز بکوشه ای پناه
برده اند لسته داکت نگهبان با صوت
نام مانده یک فاتح که نفس فروبی
پنجای و با مارتو بیفتد طول کز پور
واطی می کند و خارج می شود بخت و
شاموشی ناپه دلفه سناوی زجان و افرا
می گیرد در حالیکه که هنوز ناله در داکت
زندانی بکوش می رسد بخت موجود تیره
روز بی پناه و صورت دزدی در دست
و پناه با سر و صورت حسین در حال
هوشی روز در کتیکه و با یک روز در حال
سال پای سناوی سوت می کشد که گاه
ان پیچاره آن بزه ای می شود و بعد
در مقابل جرم جرم فریاد خشای احام
گرفته خود را از لطف قضای پیوسته و وضع
چهره روزی خود را نشود برود (زندانی
زندانی در روز فقط پنج وال بسزای
چهره دارد)

به از منتهی...
در حالیکه که هنوز ناله در داکت
زندانی بکوش می رسد بخت موجود تیره
روز بی پناه و صورت دزدی در دست
و پناه با سر و صورت حسین در حال
هوشی روز در کتیکه و با یک روز در حال
سال پای سناوی سوت می کشد که گاه
ان پیچاره آن بزه ای می شود و بعد
در مقابل جرم جرم فریاد خشای احام
گرفته خود را از لطف قضای پیوسته و وضع
چهره روزی خود را نشود برود (زندانی
زندانی در روز فقط پنج وال بسزای
چهره دارد)

بررسی جرائد...

می بینیم می بینیم که این آفتاب
نایابی آنچه در زمان دموکرات
ها از شدت دیده اند به چه
ابراج خود تجاوز میکنند!

زندگی انگیزی جنگ طلبان

ناله جاسور یک زندانی بخت
تیره روز در دزد سرخه سناوی و بزم
بان و لکه پلیس نگهبان شوخه و با
سخت ستازی می کند. افسان و خابان
از نرس و با دقت تاز بکوشه ای پناه
برده اند لسته داکت نگهبان با صوت
نام مانده یک فاتح که نفس فروبی
پنجای و با مارتو بیفتد طول کز پور
واطی می کند و خارج می شود بخت و
شاموشی ناپه دلفه سناوی زجان و افرا
می گیرد در حالیکه که هنوز ناله در داکت
زندانی بکوش می رسد بخت موجود تیره
روز بی پناه و صورت دزدی در دست
و پناه با سر و صورت حسین در حال
هوشی روز در کتیکه و با یک روز در حال
سال پای سناوی سوت می کشد که گاه
ان پیچاره آن بزه ای می شود و بعد
در مقابل جرم جرم فریاد خشای احام
گرفته خود را از لطف قضای پیوسته و وضع
چهره روزی خود را نشود برود (زندانی
زندانی در روز فقط پنج وال بسزای
چهره دارد)

آخرین اخبار

به از منتهی...
چنین جهت است که اکنون برای من
گرمی مویان خودیاستی در پیش گرفته
اند که مویان خود را حقا با خود و از
و با اسباب صورت... هم در روابط بین
الناسی و مویان کشورهای مختلف سرمایه
داری با آن درجه ای که روزگاری می
رسد عالی سازد.

به از منتهی...
چنین جهت است که اکنون برای من
گرمی مویان خودیاستی در پیش گرفته
اند که مویان خود را حقا با خود و از
و با اسباب صورت... هم در روابط بین
الناسی و مویان کشورهای مختلف سرمایه
داری با آن درجه ای که روزگاری می
رسد عالی سازد.

به از منتهی...
چنین جهت است که اکنون برای من
گرمی مویان خودیاستی در پیش گرفته
اند که مویان خود را حقا با خود و از
و با اسباب صورت... هم در روابط بین
الناسی و مویان کشورهای مختلف سرمایه
داری با آن درجه ای که روزگاری می
رسد عالی سازد.

به از منتهی...
چنین جهت است که اکنون برای من
گرمی مویان خودیاستی در پیش گرفته
اند که مویان خود را حقا با خود و از
و با اسباب صورت... هم در روابط بین
الناسی و مویان کشورهای مختلف سرمایه
داری با آن درجه ای که روزگاری می
رسد عالی سازد.

ناله جاسور یک زندانی بخت
تیره روز در دزد سرخه سناوی و بزم
بان و لکه پلیس نگهبان شوخه و با
سخت ستازی می کند. افسان و خابان
از نرس و با دقت تاز بکوشه ای پناه
برده اند لسته داکت نگهبان با صوت
نام مانده یک فاتح که نفس فروبی
پنجای و با مارتو بیفتد طول کز پور
واطی می کند و خارج می شود بخت و
شاموشی ناپه دلفه سناوی زجان و افرا
می گیرد در حالیکه که هنوز ناله در داکت
زندانی بکوش می رسد بخت موجود تیره
روز بی پناه و صورت دزدی در دست
و پناه با سر و صورت حسین در حال
هوشی روز در کتیکه و با یک روز در حال
سال پای سناوی سوت می کشد که گاه
ان پیچاره آن بزه ای می شود و بعد
در مقابل جرم جرم فریاد خشای احام
گرفته خود را از لطف قضای پیوسته و وضع
چهره روزی خود را نشود برود (زندانی
زندانی در روز فقط پنج وال بسزای
چهره دارد)